



رویکرد احکام اسلامی و اسناد بین المللی بر مفهوم خشونت جنسی و تاثیر آن در سلامت روابط زناشویی

میثم دستوار

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
dastvarmeysam82@gmail.com

رامین دائمی سعید آباد

دانش آموخته کارشناسی، رشته حقوق، دانشگاه پیام نور، مراغه، ایران
ramindaemi7799@gmail.com

محمد مهدی داداشی چکان

مدرس، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور مراغه، مراغه، ایران
mahdidsh@yahoo.com

حمید آشنا

دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته فقه و حقوق جزا، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی

(نویسنده مسئول)

Hamid_Ashena_Law@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: در سراسر جهان سلامت جنسی در روابط زناشویی از اهمیت بسزایی در تکوین بنیان خانواده برخوردار است. به نحوی که با مطالعه در فرهنگ ها و ادیان مختلف، می توان دریافت که در صورت بروز هرگونه سستی و کج روی در روابط چه ضربه مهلکی به بنیان خانواده و اجتماع وارد می شود. در این مقاله سعی می شود خشونت جنسی و تاثیر آن در روابط زناشویی با توسل به قوانین داخلی و با تکیه بر احکام اسلامی و مقررات بین المللی مطالعه نموده و در صدد تبیین ضرورت جرم انگاری این نوع از خشونت برآییم.

روش تحقیق: روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی می باشد.

یافته ها: اگر برخی جرایم مرتبط با این نهاد شناخته نشود و مقنن حمایت بایسته ای از آن ننماید، ممکن است در روابط زوجین مخصوصا در سلامت جنسی خانواده نمود پیدا کند که تاثیر مخرب آن بر همگان مبرهن است. از قانون نامه حمورابی و دین مبین اسلام تا قوانین امروزی، قانون گذاران مجازات های سنگینی را برای خشونت جنسی و اخلال در سلامت جنسی نهاد خانواده در نظر گرفته اند، لیکن کشور ایران در امر پیشگیری از وقوع این خشونت ها به خوبی عمل نکرده است.

نتیجه: پیشگیری از این نوع خشونت ها مستلزم صرف وقت و هزینه بسیار و همکاری نهادها و سازمان های گوناگون است. درد آور این است که همان زمانی که مسئولان بر طبل مبارزه با جرایم جنسی می کوبند در پس دیوارهای بلند خانه ها جنایاتی به مراتب شنیع تر در حال رخ دادن است و کسی را یارای کمک به قربانیان این خشونت ها نیست.

واژگان کلیدی: سلامت جنسی، خشونت جنسی، روابط زناشویی، قوانین موضوعه ایران، احکام اسلامی، اسناد بین المللی



مقدمه

انسان دارای دو بعد ملکوت و ناسوت است که مراتب این دو بعد شامل عقل، روح و غرایز و تمایلات می شود. شگفتی انسان در برخوردار بودن از این دو بعد متضاد است و هنرمندی انسان در ایجاد تعادل بین این ابعاد می باشد که با کنترل امیال و غرایز حاصل می گردد. خانواده به عنوان یگانه زیربنای استوار جامعه و نخستین نهاد اجتماعی از نقش بی بدیلی در حفظ و تامین سلامت فرد و جامعه برخوردار است. ادامه حیات و بالندگی در دوام و قوام این نهاد مقدس به عوامل متعددی بستگی دارد که توجه به آن از سوی اعضای خانواده، جامعه و مسئولین کشور بسیار حائز اهمیت است. از جمله عواملی که به بقای خانواده کمک شایانی می کند، سلامت جنسی و کارکرد مناسب آن در چارچوب خانواده و بر اساس شرع، قانون و عرف است. غریزه جنسی و ارضای صحیح آن یکی از اهداف و آثار تشکیل خانواده به شمار می رود و بدیهی است که تعادل و استفاده بهینه از آن در مسیر مطلوب و پذیرفته شده عقل و شرع، رمز سلامت و استحکام این میثاق مقدس خواهد بود. تحقق شعار «سلامت جنسی» با هدف تحکیم نهاد خانواده و یا اصلاح پیوندهای گسسته زوجین، نیازمند توجهی خاص به دستورات حیات بخش اسلام درباره تربیت جنسی سالم در دوران قبل و بعد از بلوغ است. تحقق این شعار مدیون فراهم سازی بسترهای مناسب فردی، اجتماعی و علمی است و برای تحقق کامل آن باید همه صاحب نظران و اندیشمندان در گستره های مختلف علوم فقهی، حقوقی، تربیتی، روانشناسی، جامعه شناسی و پزشکی به پژوهش و مطالعات گسترده و جامع در حوزه سلامت جنسی در بستر فرهنگ ایرانی - اسلامی بپردازند. (فروتن، اخوان، ۱۳۹۰، ص ۲۸)

نرخ رفتار خشونت جنسی در جوامع در حال افزایش است و این امر تا حدودی متأثر از سیاست جنایی کشورها در قبال این گونه از جرایم و مرتکبان آن ها است. البته در این بین نباید نقش فرهنگ، سنت و مذهب جاری در کشورها را نادیده گرفت، چرا که این عوامل جهت دهنده بسیاری از رفتارها و اعمال در جوامع می باشند. اما سوال این است که چرا در کشوری مثل ایران که دین رسمی آن اسلام و مذهب درصد بالایی از مردم ایران تشیع است و فرهنگ سنتی ایرانی با فرهنگ اسلامی عجین شده، نرخ رفتار و اعمال جنسی که اکثراً جرم انگاری شده اند بالا است؟ البته در ظاهر امر، آمار و نرخ این گونه جرایم پنهان است ولی با توجه به حقایق موجود در جامعه و بررسی برخی پرونده ها شاهد افزایش نرخ این گونه اعمال هستیم. بنا به گفته بسیاری از حقوق دانان و متخصصان شاید دلیل عمده افزایش خشونت جنسی (به عنوان رکن رکن جرایم جنسی) و یا به بیان دیگر «رفتار جنسی غیر متعارف»، سیاست کلی کشور ایران در قبال این نوع اعمال و یا سیاست جنایی حاکم بر جرایم جنسی «جرم انگاری اعمال جنسی» و مرتکبان آن باشد که نه تنها به پیشگیری از ارتکاب این گونه جرایم کمکی نمی کند بلکه به مشکلات و مسایل ناشی از آن دامن می زند. نگاه تک بعدی جامعه و قاضی متأثر از آن، نقش موثری در عدم به کارگیری روش های غیر کیفری همچون روش های ترمیمی، اصلاحی، درمانی و اجتماعی دارد. البته این به معنای سیاست تسامح صفر و یا سخت گیری محض نسبت به این نوع جرایم نیست، بلکه در مواردی نیز شاهد پیشرفت هایی در این زمینه می باشیم و نباید تنها جنبه های منفی قضیه را نگرست و سیاست جنایی ایران را در قبال این نوع جرایم ضعیف قلمداد کرد. چرا که بنابر قول عده ای تهاجم فرهنگی از دیگر علل افزایش جرایم جنسی می باشد. ولی به طور کلی، آن چه مشهود است، این است که در کشور ما کمتر به شخصیت مرتکبین جرم و علل و عوامل جرم زا توجه می شود و توجه بیشتر معطوف به نوع عمل و چگونگی آن می باشد. (نوربها، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴) این امر در خصوص جرایم جنسی که جنبه غیر اخلاقی بیشتری در اسلام دارد پررنگ تر است. از این رو لازم است تلاش هایی در جهت شناخت علل و ارائه راه کارهای مناسب در جهت پیش گیری از ارتکاب جرم قدم برداشت. علوم روان شناسی، روان پزشکی و دیگر علوم وابسته به آن ها دارای سهم به سزایی در بررسی و شناخت این علل می باشند و می توان از آن ها به عنوان ابزاری مفید در جهت پیشرفت حقوق کیفری استفاده نمود. (باوند پور، ۱۳۹۰، ص ۵)

قربانی شدن در جرایم جنسی اعم از خشونت جنسی در خانه، مزاحمت جنسی در اجتماع، سوء استفاده جنسی در محیط کار و ... رویداد تلخی است که بر زندگی زنان، مردان تأثیر می گذارد. در صدی از این بزهدیدگان، پس از این حادثه، به عوارض گوناگون



مانند افسردگی، ترس، اعتیاد و اضطراب های بیهوده دچار می شوند و در مواقع شدیدتر درصدهای نیز خودکشی می کنند. (اردبیلی، ۱۳۸۳، صص ۱۶۱-۱۳۳) در گذشته جامعه بین المللی توجه لازم را نسبت به جرایم علیه زنان و به ویژه تبعیض جنسیتی و خشونت های علیه آنان مبذول نمی داشت. بخشی از این بی توجهی شاید ناشی از آن باشد که حقوق بشر دوستانه بین المللی، معمولا خشونت های جنسی را جرمی علیه حیثیت و شرافت زن و نه یک خشونت جسمی علیه وی دانسته و بنابر این برای آن اهمیتی کمتر از جرایمی چون شکنجه قایل می شده است. این برخورد در ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) و ماده ۲۵ پروتکل دوم پالمو (۲۰۰۰) مشاهده می شود. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۷، صص ۷۰) در این بین حتی برخی از موارد این پتانسیل را دارند که منجر به قانون گذاری های خاص شوند؛ هر چند تصویب کنندگان این دست قوانین نیز، اغلب با اتهام پوپولیست بودن مواجه هستند. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۴ در ایالات متحده آمریکا قانونی تصویب شد به نام قانون مگان؛^۱ مگان کانکا دختر بچه ای هفت ساله بود که توسط یک مجرم جنسی در ایالت نیوجرسی مورد تجاوز قرار گرفت و به قتل رسید. مجرم برای این که از خود ردی برجای نگذارد، مگان را به قتل رسانده بود. قانون گذاران ایالات متحده آمریکا مدتی بعد از این اتفاق قانونی را تصویب کردند که به موجب آن اطلاعات محل سکونت مجرمان سابقه دار جنسی در اختیار خانواده ها قرار می گرفت تا خانواده هایی که در همسایگی این افراد زندگی می کردند محافظت بیشتری از فرزندان خود به عمل آورند.^۲ در ایران، میزان پذیرش خشونت جنسی در زندگی زناشویی، بسیار قوی است و معمولا زنان از آن پرده بر نمی دارند؛ زیرا تحمل این نوع خشونت، عادت شده است و آن را طبیعی می انگارند. از این رو، از طرح موضوع نیز احساس شرم می کنند. رویه معمول دادگاه ها و آیین رسیدگی به شکایت زنان، ممکن است کار بسیار دشوار شاکي را در طی دادرسی برای اثبات جرم، تشدید کند. زمان طولانی وقفه میان وقوع حادثه و رسیدگی، فقدان اطلاعات درباره مراحل دعوی و محل تقریبی مجرم و طرز رفتار پلیس، کارکنان قضایی و دیگر اشخاصی که شاکي با آن ها سروکار دارد نیز به وخامت اوضاع کمک می کند. (مولاوردی، ۱۳۷۸، صص ۵۳) از این رو مساله اساسی این پژوهش، بررسی تاثیر خشونت جنسی بر سلامت جنسی در روابط زناشویی در درون بنیان خانواده، از منظر احکام اسلامی و اسناد بین المللی می باشد.

۱- مفهوم شناسی

قبل از پرداختن به ضرورت جرم انگاری خشونت جنسی در روابط زناشویی در ایران، آشنایی اجمالی با مفاهیم ضروری اجتناب ناپذیر می باشد.

۱-۱ جرم انگاری

جرم انگاری قانونی یک فعل یا ترک فعل، فرایندی است که به وسیله آن رفتار های جدیدی به موجب قوانین کیفری، مشمول قانون مجازات می شود. هر قدر دامنه این قوانین، تحت فشار افکار عمومی، گسترده تر می شود، مجرمان بیش تری به وجود می آیند. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۰، صص ۹۰)

۲-۱ خشونت جنسی

خشونت جنسی شامل آزار های بدنی، روحی، جنسی (از قبیل تعرض فیزیکی، مزاحمت جنسی، تجاوز و آزار جنسی)، ضرب و جرح، تند خویی و تند گویی می شود. در همه کشورها پدیده خشونت جنسی آثار و عواقبی دارد که برحسب فرهنگ قومی و

¹ Megans law

² . www.meganslaw.ca.gov



نژادی کشورها متفاوت است. کما این که در ایران به موجب اصل بیست و یک قانون اساسی برخی اقدامات حمایتی در این باب پیش بینی شده است.

۱-۳ رابطه زناشویی

رابطه در لغت یعنی پیوند، بستگی و زناشویی هم به معنی ازدواج، برقراری رابطه زن و شوهری (معین، ۱۳۸۷، صص ۵۵۷-۶۰۳) در اصطلاح برقراری پیوندی است در بین زن و مرد که با عقد ازدواج بسته می شود. این پیوند که به صورت متقابل برخی وظایف را برای زن و شوهر به وجود می آورد که در قبال هم مکلف به رعایت آن ها هستند. مانند: حسن رفتار، مهربانی و گذشت و ...

۲- خاستگاه و تحولات مفهومی خشونت جنسی

در جهت تبیین ضرورت بررسی تاثیر خشونت جنسی بر سلامت روانی در روابط زناشویی در ایران، مطالعه تحولات مفهومی جرایم جنسی و خاستگاه آن ها در مقررات داخلی، اسناد بین المللی و آموزه های دینی به این امر کمک می کند.

۱-۲-۱- سطح ملی

در قانون مجازات اسلامی سخنی از خشونت جنسی خانگی و به طور مثال تجاوز شوهر به همسر نیامده است و بالتبع مجازاتی هم برای چنین عملی در نظر گرفته نشده است. اما قانون مدنی راهی دیگر در پیش گرفته و تمکین را از وظایف زن دانسته است. تمکین در معنای خاص آن انجام وظایف زناشویی از طرف زن است. یعنی هروقت شوهر اراده کرد، زن بایستی نیازهای جنسی وی را، حتی برخلاف میل باطنی خودش برآورده کند. در چنین مواقعی مشکلات روحی منجر به مقاومت جسمی هم می شود، امری که موجب بروز و یا تشدید خشونت های جسمی، جنسی، روحی و کلامی توسط شوهر می شود. آسیبی که به زن در این نوع از خشونت وارد می شود بسیار جدی است. در واقع تجربه خشونت توأم با تجاوز که زیر مجموعه جرایم مبتنی بر جنسیت تلقی می شود از طرف شوهر بسیار رنج آور است. در این مورد شوهر قدرت، نفوذ فردی، اجتماعی و روانی خود را به کار می گیرد تا با همسرش که به هر دلیلی راضی به برقراری رابطه جنسی (از هر نوع آن چه به صورت دخول و چه به صورت معاشقه) نزدیکی کند. (آشنا، ۱۳۹۴، ص ۹۷۳)

در همه کشورها پدیده خشونت جنسی علیه زنان و جرایم مبتنی بر جنسیت، آثار و عواقبی دارد که برحسب فرهنگ قومی و نژادی کشورها متفاوت است. در کشور قطر، مجازات تجاوز جنسی، اعدام است. می توان گفت که در کشور قطر مشکل خشونت علیه زنان، دست کم به اندازه بسیاری از دیگر کشورهای عربی یا اسلامی، چندان جدی نیست. مشکل مهم به اعمال خشونت علیه زنان خارجی مربوط می شود که در کشور قطر به عنوان خدمتکار خانگی کار می کنند. به عبارت دیگر جرایم مبتنی بر جنسیت، جرایمی هستند که علیه اشخاص و بر اساس تفاوت های ناظر بر ویژگی های شخصی - روانی صورت می گیرد. افرادی که مرتکب این جرایم می شوند رفتارشان از نظر جامعه قابل قبول نیست و خلاف ارزش ها و هنجارهای جامعه است.

در این قسمت می توان به اهم عناوین برخی از اسناد بین المللی که دولت ایران در سال های قبل و پس از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی را که محتوای آن ها دولت ها را مکلف به اعمال ارزش های مورد حمایت خود در ارتباط با مسایل جنسی در قوانین داخلی خود نموده است، پذیرفته و به آن ها الحاق شده است اشاره کرد.

- ۱) قانون اجازه الحاق دولت ایران به قراردادهای بین المللی راجع به جلوگیری از معامله و اغوا نسون کبیره مصوب ۱۳۱۳/۱۰/۲۰
- ۲) قانون اجازه الحاق دولت ایران به پروتکل های اصلاحی قراردادهای مورخ ۱۸ مه ۱۹۰۴ و ۴ مه ۱۹۱۰ راجع به منع فحشا و قرارداد ۴ مه ۱۹۱۰ راجع به جلوگیری از اشاعه نشریات منافی عفت و مستهجن مصوب ۱۳۳۷/۹/۱۸.
- ۳) قانون مربوط به الحاق دولت ایران به قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده فروشی و عملیات و دستگاه های مشابه بردگی.



۴) قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه نامه مکمل آن مصوب ۱۳۸۰/۳/۸.

۵) قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرزه نگاری کودکان مصوب ۱۳۷۹/۳/۴.

۲-۲- سطح فراملی

سابقه قانونگذاری و جرم انگاشتن این جرایم به دهه ۷۰ میلادی بر می گردد. برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ قانون ممنوعیت تجاوز زناشویی در ایالت داکوتای جنوبی در آمریکا به تصویب رسید. تا پیش از این دوره طبق آموزه های دین مسیحیت شوهر به خاطر وادار کردن همسر قانونی خود به برقراری رابطه جنسی مقصر شناخته نمی شد. زیرا فرض بر آن بود که زن و مرد با عقد ازدواج بر مقاربت جنسی توافق کرده اند. تا سال ۱۹۹۳ میلادی تمام ۵ ایالت آمریکا تجاوز زناشویی را جرم دانستند. در ۲۰ دسامبر همان سال اعلامیه منع خشونت علیه زنان به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. بدین ترتیب برای اولین بار یکی از مصادیق جرایم مبتنی بر جنسیت در یک سند بین المللی مورد توجه قرار گرفت. کشور های مختلف از جمله ایران در امضای این سند حضور داشتند. در هفدهم دسامبر ۱۹۹۹ مجمع عمومی سازمان ملل، ۲۵ نوامبر را به عنوان روز بین المللی از بین بردن خشونت علیه زنان نامگذاری کرد و از دولت ها، سازمان ها و نهاد های غیر دولتی خواست هرساله در این روز اقداماتی برای آگاهی عمومی از این مساله آن جام دهند. متعاقبا در سال ۲۰۰۶ دبیرکل سازمان ملل از پیگرد قانونی تجاوز زناشویی در ۱۰۴ کشور خبر داد. کمیته رفع تبعیض علیه زنان در سازمان ملل در نظریه تفسیری عمومی خود به شماره ۱۹ در جلسه یازدهم سال ۱۹۹۲ اشعار می دارد: خشونت مبتنی بر جنسیت نوعی تبعیض است که به طور جدی مانع برخورداری زنان از حقوق و آزادی های مبتنی بر تساوی جنسیتی است.

ماده ۱ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مقرر می دارد: تبعیض علیه زنان به معنی قابل شدن هرگونه تمایز، استثنا یا محدودیت بر اساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی های اساسی آن ها و بهره مندی و اعمال آن حقوق بر پایه مساوات با مردان صرف نظر از وضعیت تاهل آن ها در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه ها اثر مخرب دارد یا اصولا هدفش از بین بردن این وضعیت است. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸، ص ۳۵)

پیش از تاسیس دیوان کیفری بین المللی در طی جلسات کمیسیون مقدماتی برای تاسیس این دیوان از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ مباحث فراوانی در خصوص موضوعات جنسی مطرح گردید. (ارسنجانی، ۱۳۷۸، ۳۰۳) در ابتدا مشکلات زیادی در ارتباط با جلب توافق کشور ها در خصوص تعقیب و آزار بر مبنای جنسیت وجود داشت. برخی کشور ها ترجیح دادند که کلمه جنسیت تعریف نشود و برخی هیات های نمایندگی اصرار داشتند که این واژه صرفا به معنای تفاوت زن و مرد بر مبنای بیولوژیکی است. موضوع اجتناب از تعریف به سایر بخش های اساسنامه نیز تسری پیدا کرد. در نهایت همه توافق کردند که تعریفی برای واژه جنسیت در بند ۳ ماده ۷ تعیین شود که بتواند در کل اساسنامه مورد استفاده قرار گیرد. بند سوم از ماده ۷ اولین جمله ای است که کلمه جنسیت در آن آمده است. جنسیت در اساسنامه دیوان از منظر عرفی به دو جنس زن و مرد اطلاق می شود. این تعریف زمینه ای برای شمول مقررات غیر تبعیض آمیز از جمله جنسیت را فراهم آورده است. به علاوه جنسیت در جنایت علیه بشریت، آزار و اذیت که می تواند مبتنی بر جنسیت نیز باشد و بردگی که ممکن است شامل قاچاق افراد به خصوص زنان و کودکان باشد تجلی پیدا می کند. اگرچه برخی مخالفت ها نسبت به جنایت حاملگی اجباری وجود داشت، هیچ مخالفتی در خصوص تحت الشمول قرار گرفتن آن در جنایت خشونت جنسی و جنسیتی در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری وجود نداشت. (خاک، ۱۳۸۷، صص ۱۰۱-۱۴۶)

۲. آیین نامه اجرایی تبصره های ۱ و ۲ ماده واحده این قانون و توصیه نامه مکمل آن در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۲۷ تصویب شده است.



- از دیگر مقررات بین المللی که به نحوی در این زمینه ورود پیدا کرده اند، می توان فهرست وار به اسناد ذیل اشاره کرد:
- ۱) ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹.
 - ۲) پرتکل الحاقی کنوانسیون پالرمو در مورد جرایم سازمان یافته در سال ۲۰۰۰.
 - ۳) برنامه جهانی دفتر کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل در سال ۱۹۹۹.
 - ۴) اعلامیه و دستورالعمل وین صادره از سوی کنوانسیون جهانی حقوق بشر در ژوئن ۱۹۹۳.
 - ۵) اعلامیه و دستورالعمل پکن صادره از سوی چهارمین کنفرانس سازمان ملل متحد در سپتامبر ۱۹۹۵.
 - ۶) کنوانسیون الغای بردگی، تجارت برده، نهاد ها و رویه های مشابه ۱۹۵۶.

۲-۳- مقررات شرعی

در دین مبین اسلام در مورد مبارزه با جرایم جنسی تدابیر سه گانه ای اندیشیده شده است. در گام نخست تلاش دارد با تدابیری منطبق بر جنبه های روان شناختی انسان، بالا بردن آستانه مقاومت فرد را در برابر کشش های انحرافی برخی گرایز جنسی. در گام بعدی سخت کردن دسترسی به آماج و تجویز نوعی عکس العمل تدافعی برای افراد در معرض خطر. گام سوم به عنوان آخرین راه با وضع تدابیر مناسب در مورد انواع جنسی و اوضاع و احوال مرتکب جرم در صدد بازدارندگی و اصلاح مجرم و عبرت آموزی افراد مستعد ارتکاب جرم است. (محمدی جورکویه، ۱۳۸۹، صص ۱۱۶-۱۱۷) به طور مثال در دین اسلام با قبول قاعده لاضرر در جهت جلوگیری از ورود ضرر از طرف شخص به افراد جامعه، مطالب زیادی گفته شده است که می توان در تبیین ضرورت بحث پژوهش حاضر نیز کمک کند. شایان ذکر است که قاعده لاضرر مستنبط از حدیثی است که در یک دعوی معروف، پیامبر اکرم (ص)، برای فصل خصومت، به کار برده است. (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۲، ص ۵۷) در تفسیر این قاعده نظریه های مختلفی از سوی فقها ارائه شده است. در ابتدا آن چه اهمیت دارد معنا و مفهوم ضرر در متن حدیث است، آن چنان که شیخ انصاری در این باره می نویسد: مهم روشن کردن معنی ضرر است، مفهوم ضرر در عرف روشن است. (انصاری، ۱۴۱۰، ص ۳۲۸)، در نهایت ابن اثیر معتقد است که مفهوم فرمایش پیامبر اسلام این است که: انسان نباید به دیگری ضرر بزند و نقصانی در حق او ایجاد کند. (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ص ۸۱)، امام خمینی (ره) پس از نقل قول های گوناگون، با استمداد از آیات قرآنی می نویسد: ضرر و ضرار بیش تر به معنای کاستی وارد کردن در مال و جان، به کار برده شده است و ضرار و برگرفته از آن، به معنای در تنگنا قرار دادن و رساندن ناراحتی و زیان به دیگران (زیان های معنوی) است. (موسوی خمینی، ۱۳۶۵، ج ۱/۳۲۱)

از منظر میانی قرآنی جرایم جنسی و تحریم این جرایم در حوزه روابط زناشویی، می توان به این موارد اشاره نمود:

- ۱) تقبیح کشتن و زنده به گور کردن دختران
سوره نحل آیه ۵۸ و ۵۹: در حالی که هرگاه به یکی از آن ها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش (از فراب ناراحتی) سیاه می شود؛ و به شدت خشمگین می گردد؛ ... بخاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می گردد؛ (و نمی داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد، یا در خاک پنهانش کند؟! چه بد حکم می کنند!
- ۲) محدود کردن طلاق قابل رجوع به دو طلاق^۵
سوره بقره آیه ۲۲۹: طلاق، (طلاق) که رجوع و بازگشت دارد، دو مرتبه است؛ (و در هر مرتبه،) باید به طور شایسته همسر خود را نگهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد (و از او جدا شود). و برای شما حلال نیست که چیزی از آن چه به

۱) وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿۵۸﴾ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَّا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿۵۹﴾
 ۲) الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَالَّذِينَ تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۲۲۹﴾



آن‌ها داده‌اید، پس بگیری؛ مگر اینکه دو همسر، بترسند که حدود الهی را برپا ندارند. اگر بترسید که حدود الهی را رعایت نکنند، مانعی برای آن‌ها نیست که زن، فدیة و عوضی بپردازد (و طلاق بگیرد). اینها حدود و مرزهای الهی است؛ از آن، تجاوز نکنید! و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است.

۳) تکلیف به دادن مهریه زنان

سوره نسا آیه ۴: مهر زنان را (به طور کامل) بعنوان یک بدهی (یا عطیه)، به آنان بپردازید! (ولی) اگر آن‌ها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید!

مهر زنان! در این آیه اشاره به یکی از حقوق مسلم زنان می‌کند و تأکید می‌نماید که: مهر زنان را بطور کامل به عنوان یک عطیه (الهی) بپردازید «وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً». سپس در ذیل آیه برای احترام گذاردن به احساسات طرفین و محکم شدن پیوندهای قلبی و جلب عواطف می‌گوید: «اگر زنان با رضایت کامل خواستند مقداری از مهر خود را ببخشند برای شما حلال و گواراست» (فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا).

تا در محیط زندگی زناشویی تنها قانون و مقررات خشک حکومت نکنند، بلکه به موازات آن عاطفه و محبت نیز حکم فرما باشد.

۴) نهی مانع شدن از ازدواج آن‌ها برای گرفتن مهریه و مالشان

سوره نسا آیه ۲۱۹: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آن‌ها) ارث ببرید! و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آن چه را به آن‌ها داده‌اید (از مهر)، تملک کنید! مگر اینکه آن‌ها عمل زشت آشکاری آن‌ها را جام دهند. و با آنان، بطور شایسته رفتار کنید! و اگر از آن‌ها، (بجهدی) کراهت داشتید، (فورا) تصمیم به جدایی نگیرید! چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد!

۵) تقبیح ایلاء^۱

سوره بقره آیات ۲۲۵ تا ۲۲۷: خداوند شما را به خاطر سوگندهایی که بدون توجه یاد می‌کنید، مؤاخذه نخواهد کرد، اما به آن چه دل‌های شما کسب کرده، (و سوگندهایی که از روی اراده و اختیار، یاد می‌کنید) مؤاخذه می‌کند و خداوند، آمرزنده و بردبار است. کسانی که زنان خود را «ایلاء» می‌نامند (سوگند یاد می‌کنند که با آن‌ها، آمیزش جنسی ننمایند) حق دارند چهار ماه انتظار بکشند. (و در ضمن این چهار ماه، وضع خود را با همسر خویش، از نظر ادامه زندگی یا طلاق، روشن سازند) اگر (در این فرصت) بازگشت کنند، (چیزی بر آن‌ها نیست؛ زیرا) خداوند، آمرزنده و مهربان است و اگر تصمیم به جدایی گرفتند، (آن هم با شرایطش مانعی ندارد) خداوند شنوا و داناست.

۲۲۵) در این آیه خداوند به دو نوع سوگند اشاره کرده، نوع اول قسم‌های لغو است که هیچ گونه اثری ندارد و نباید به آن اعتنا کرد و مخالفت آن کفاره ندارد زیرا از روی اراده و تصمیم نیست. نوع دوم سوگندهایی است که از روی اراده و تصمیم

۳. وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا (۴)

۱) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿۱۹﴾
 ۱) سوگند شوهر بر ترک آمیزش با همسر دائمی خود برای همیشه یا بیشتر از چهار ماه به قصد اضرار به او.
 ۲) يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ بِاللّٰغُوْ فِىْ اٰيْمَانِكُمْ وَّلٰكِنْ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ يٰۤاٰخِذُوْكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوْبِكُمْ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ حَلِيْمٌ ﴿۲۵﴾ اَلَّذِيْنَ يُؤَلُّوْنَ مِنْ نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصًا اَرْبَعَةَ اَشْهُرٍ فَاِنْ قَاوُوا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۲۲۶﴾ وَاِنْ عَزَمُوا الطَّلٰقَ فَاِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿۲۲۷﴾



آن جام می‌گیرد و به تعبیر قرآن قلب انسان آن را کسب می‌کند، این گونه قسم معتبر است و باید به آن پایبند بود، و مخالفت با آن، هم گناه دارد، و هم موجب کفاره می‌شود.

آیه ۲۲۶- در دوران جاهلیت زن هیچ گونه ارزش و مقامی در جامعه عرب نداشت و به همین جهت برای جدایی از او و یا تحت فشار قرار دادن زن، طرق زشتی وجود داشت که یکی از آن‌ها «ایلاء» بود به این ترتیب که هر زمان مردی از همسر خود متنفر می‌شد، سوگند یاد می‌کرد که با او همبستر نگردد و با این راه غیر انسانی همسر خود را در تنگنای شدیدی قرار می‌داد، نه او را رسماً طلاق می‌داد و نه بعد از این سوگندها حاضر می‌شد آشتی کند و زندگی مطلوبی داشته باشد. البته مردان غالباً تحت فشار قرار نمی‌گرفتند، چون همسران متعددی داشتند آیه مورد بحث با این سنت غلط مبارزه کرده و طریق گشودن این سوگند را بیان کرده است.

آیه ۲۲۷- «و اگر تصمیم به جدایی گرفتند (آن هم با شرایطش مانعی ندارد) خداوند شنوا و دانا است» (وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) و هر گاه مرد هیچ یک از این دو راه را انتخاب نکند، نه به زندگی سالم زناشویی باز گردد، و نه او را با طلاق رها سازد، در این جا حاکم شرع دخالت می‌کند و مرد را به زندان می‌اندازد و بر او سخت می‌گیرد که بعد از گذشتن چهار ماه مجبور شود یکی از دو راه را انتخاب کند و زن را از حال بلا تکلیفی در آورد.

۶) ظهار^۱

سوره مجادله آیات ۱ تا ۴: خداوند سخن زنی را که درباره شوهرش به تو مراجعه کرده بود و به خداوند شکایت می‌کرد شنید (و تقاضای او را اجابت کرد)؛ خداوند گفتگوی شما را با هم (و اصرار آن زن را درباره حل مشکلش) می‌شنید؛ و خداوند شنوا و بیناست. کسانی که از شما نسبت به همسرانشان «ظهار» می‌کنند (و می‌گویند: «انت علی کظهر امی. تو نسبت به من بمنزله مادرم هستی»)، آنان هرگز مادرانشان نیستند؛ مادرانشان تنها کسانی‌اند که آن‌ها را به دنیا آورده‌اند! آن‌ها سخنی زشت و باطل می‌گویند؛ و خداوند بخشنده و آمرزنده است! کسانی که همسران خود را «ظهار» می‌کنند، سپس از گفته خود باز می‌گردند، باید پیش از آمیزش جنسی با هم، برده‌ای را آزاد کنند؛ این دستوری است که به آن اندرز داده می‌شوید؛ و خداوند به آن چه آن جام می‌دهید آگاه است! و کسی که توانایی (آزاد کردن برده‌ای) نداشته باشد، دو ماه پیایی قبل از آمیزش روزه بگیرد؛ و کسی که این را هم نتواند، شصت مسکین را اطعام کند؛ این برای آن است که به خدا و رسولش ایمان بیاورید؛ اینها مرزهای الهی است؛ و کسانی که با آن مخالفت کنند، عذاب دردناکی دارند!

۳- مطالعه تطبیقی خشونت جنسی

با توجه به اهمیت پرداختن به بحث خشونت جنسی که امروزه در تمامی جوامع مشاهده می‌شود و نمود بیشتر آن در درون خانواده است، می‌توان در این باب دو مبحث از نظر بررسی در جوامع غیر اسلامی و جوامع اسلامی در نظر گرفت. با این که تقسیم بندی فوق نمی‌تواند جامع و مانع باشد ولی با این حال تا حدودی به علت تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی شاید بتواند در روشن شدن بحث کار ساز باشد.

(۱) تَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿١﴾ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مَنْ نَسَاهُمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌ غَفُورٌ ﴿٢﴾ وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نَسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تَوْعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٣﴾ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِيَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤﴾



۳-۱- جوامع غیر اسلامی

گزارش سازمان ملل متحد ناظر بر وضعیت خشونت جنسی علیه زنان در جوامع غیر اسلامی مبین این است که ۸۵٪ دختران در آمریکا از موارد وقوع مزاحمت‌های جنسی در مدارس گله دارند. تحقیقی که در سال ۱۹۹۲ در آمریکا انجام پذیرفت نشان می‌دهد دو سوم از یک نمونه پانصد و سی و پنج نفری زنان جوان در واشنگتن بر اثر سوء استفاده جنسی آستن، ۵۵٪ مورد آزار جنسی و دست‌درازی، ۴۲٪ قربانی تجاوز به عنف نافرجام و ۴۴٪ قربانی تجاوز به عنف شده‌اند. به عبارتی هر ساله هفتصد هزار نفر از زنان آمریکایی مورد تعرض و تجاوز قرار می‌گیرند. یعنی در هر ۸ ثانیه یک زن مورد اهانت قرار گرفته و در هر ۶ دقیقه یک زن مورد تجاوز قرار می‌گیرد و تخمین زده شده است که ۶۱٪ از قربانیان تجاوزات جنسی زیر ۱۸ سال هستند. بدین ترتیب سالانه ۲ تا ۴ میلیون نفر از زنان در این کشور با خشونت مواجه می‌شوند و هر زن در طول عمرش به احتمال ۲۰ تا ۳۰ درصد در معرض خشونت جنسی قرار می‌گیرد^{۱۱}.

پژوهشی که در مورد گروه منتخبی از زنان کانادا در سال ۱۹۹۳ انجام گرفت نشان داد که بیش از ۵۴٪ زنان قبل از رسیدن به سن ۱۶ سالگی بدون خواسته قلبی و تمایل، مورد حمله قرار گرفته و ۵۱٪ مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. لذا در کانادا از هر چهار زن یک نفر انتظار دارد که در مرحله‌ای از زندگی خود مورد حملات جنسی قرار گیرد. (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸)

در انگلستان بیش از ده درصد از زنان انگلیسی توسط شوهران خود مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند و بر این اساس بیش از یک چهارم از زنان در طول زندگی مشترک خود مورد توهین و بدرفتاری از سوی مردان واقع می‌شوند. در فرانسه ۹۵٪ قربانیان خشونت را، زنان تشکیل می‌دهند و ۵۱٪ آن‌ها قربانی خشونت توسط همسرانشان هستند. کما این که در آلمان نیز یک مرد در هر ۱۷ ثانیه، یک زن را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد.

بر اساس اطلاعات به دست آمده از یونیسف در سال ۱۹۹۰ خشونت جنسی حتی از دختران ده ساله هم در حال افزایش است، به نحوی که در کشورهای صنعتی، نگاه‌های خاصی که حوزه عملشان گردشگری جنسی است از دختران به عنوان منبع تجارت سکس به صورت مختلف استفاده می‌کنند. (بیگی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۲)

۳-۲- جوامع اسلامی

در جوامع اسلامی نیز پدیده خشونت جنسی علیه زنان و جرایم جنسی، آثار و عواقبی دارد که برحسب فرهنگ قومی و نژادی کشورهای اسلامی متفاوت است. در قطر، مجازات تجاوز جنسی، اعدام است. می‌توان گفت که در قطر مشکل خشونت علیه زنان، دست کم به اندازه بسیاری از دیگر کشورهای عربی یا اسلامی، چندان جدی نیست. مشکل مهم به اعمال خشونت علیه زنان خارجی مربوط می‌شود که در کشور قطر به عنوان خدمتکار خانگی کار می‌کنند. به عبارت دیگر جرایم جنسی، جرایمی هستند که علیه اشخاص و بر اساس تفاوت‌های ناظر بر ویژگی‌های شخصی - روانی صورت می‌گیرد. افرادی که مرتکب این جرایم می‌شوند رفتارشان از نظر جامعه قابل قبول نیست و خلاف ارزش‌ها و هنجارهای جامعه است.

در مصر مجازات زنا به عنف از ۴ سال زندان تا حبس ابد با اعمال شاقه در نوسان است و حکومت متجاوزان را تعقیب می‌کند. البته این نکته را باید یادآوری کرد که تجاوز در روابط زناشویی، در کشور مصر غیر قانونی نیست. در کشور مالزی، گزارش‌های زنا به عنف در مطبوعات و در میان گروه‌های طرفدار حقوق زنان سازمان غیر دولتی، متداول است.

در کشور قرقیزستان زنا به عنف روز به روز مادی‌تر می‌شود. در واقع به موجب آمارهای ارائه شده سالانه ۴۰۰ تا ۴۵۰ جرم علیه زنان روی می‌دهد. این کشور از نظر خشونت علیه زنان هر روز وضع بدتری پیدا می‌کند و هنوز هیچ‌گونه عزم جدی در مقامات این کشور برای مبارزه با وضعیت به چشم نمی‌خورد. در تاجیکستان، اذیت و آزار جنسی بسیار متداول است و بیش از نیمی از زنان این کشور آزار و اذیت جنسی شده‌اند که از این میان در حدود ۲۶ درصد آزار جنسی توسط مردان در خارج از

۱۱. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۴، قابل دسترسی در سایت www.hawzah.net



خانه، ۱۶ درصد در وسایل نقلیه عمومی، ۸ درصد در محیط بازار و ۲ درصد در محیط کار صورت می گیرد. در کشور سودان، خشونت جنسی علیه زنان به صورت یک مشکل مطرح است. هم چنین در جنوب این کشور زنان آواره و پناهنده اذیت و آزار و قربانی تجاوز و سوء استفاده ی جنسی می شوند.

وضع در برخی از کشورهای دیگر به مراتب وخیم تر از آن چیزی است که تصور می شود، در برخی از مناطق اتیوپی ربودن و تجاوز جنسی یک رسم است که برای به همسری درآوردن یک دختر از زور استفاده می شود. به نظر غیر محتمل می رسد که یک قربانی به میل خود با رباینده و متجاوز به خودش ازدواج کند. با این حال، به دلیل فشار اجتماعی و فرهنگی خانواده ها و اجتماع و نیز تهدید مجرم، آن دختر اغلب به ازدواج با متجاوز جنسی رضایت می دهد.^{۱۲}

۴- خشونت جنسی علیه زنان و طرق پیشگیری از آن

قرار گرفتن در معرض رابطه جنسی غیرقانونی، احتمال بزه دیدگی جنسی زنان را در اکثر موارد فراهم می سازد. این وضعیت از دو حالت خارج نیست: در حالت نخست، زن به رابطه جنسی اجبار، تهدید یا مغرور می شود. در حالت دوم، تمایل زن به برقراری رابطه با افراد ناشناس یا بودن در شرایطی که انگیزه کافی برای تجاوز بزهکاران ایجاد می کند، عامل قربانی شدن زن است. وضعیتی که باید از آن به نام بزه پذیری یاد کرد. این وضع در کشورهایی که روسپیگری در آن ها جرم به شمار می آید، عامل عمده خشونت جنسی علیه زنان به شمار می آید. (السان، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹) بر اساس نتایج تحقیق صورت گرفته در سال ۱۳۸۳، در برخی موارد زنی که مورد تعرض قرار گرفته است، خود می تواند مقصر باشد. (دلکوستا، ۱۳۸۳، ص ۲۵۳) لذا اگر این مساله را بپذیریم که گاهی خود زنان بزه دیده در بزه دیدگی خود نقش دارند، گامی مهم به سوی پیشگیری برداشته ایم. (آشوری، ۱۳۸۳، ص ۲۳۵) پیشگیری از بزه دیدگی زنان، مستلزم مداخله دولت برای حمایت از حقوق اقتصادی و اجتماعی ایشان و همکاری مؤسسات غیرانتفاعی حامی حقوق زنان در حمایت از حقوق جنسی زنان می باشد. برای پیشگیری از بزه پذیری جنسی، زنان و دختران باید وضع ظاهری خود را از حیث نوع لباس، آرایش، معاشرت و ... با موازین قانونی و ظرفیت های اجتماعی منطبق نمایند. هرچند این راهکار با دستاوردهایی همچون آزادی و برابری چندان هماهنگ به نظر نمی رسد، با این حال نمی توان تأثیر قابل توجه آن را در پیشگیری از خشونت جنسی علیه زنان انکار کرد. در جهت پیشگیری باید با انعکاس نتایج پژوهش های اجتماعی و روان شناختی در مورد بزه دیدگان جنسی، حقیقت امر برای افراد غیرمطلعی که آزادی جنسی بی حد و حصر را تأیید می نمایند، تبیین گردد. (السان، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹)

جوامع اسلامی که قوانین خود را با تائنی از دین مبین اسلام وضع کرده اند، با در نظر گرفتن قوانین اسلامی و احکام شریعت تدابیر سه گانه ای را مد نظر قرار داده اند: در مرحله نخست تلاش دارد با تدابیری منطبق بر جنبه های روان شناختی انسان، آستانه مقاومت فرد را در برابر کشش های انحرافی برخی گرایز جنسی بالا برد. مرحله دوم سخت کردن دسترسی به آماج و تجویز نوعی عکس العمل تدافعی برای افراد در معرض خطر می باشد. مرحله آخر به عنوان آخرین راه، وضع تدابیر مناسب در مورد انواع جرایم مبتنی بر جنسیت و اوضاع و احوال مرتکب جرم در صدد بازدارندگی و اصلاح مجرم و عبرت آموزی افراد مستعد ارتکاب جرم است. در حالی که پیشگیری از خشونت جنسی بین المللی، مستلزم وضع و اجرای تدابیر داخلی و بین المللی است. در داخل کشورها، باید زمینه قاچاق، گردشگری و بهره کشی جنسی از بین برده شود. در این مهم تفاوتی میان کشورهای مبدأ، مقصد یا ترانزیت وجود ندارد. مطالعات نشان می دهد که مهم ترین عامل برای تن دادن به روسپیگری و خواسته های جنسی دیگران، ناتوانی مالی و اقتصادی است. (Balos, 2004, p. 147)

^{۱۲} ملک زاده، ۱۳۹۴، قابل دسترسی در سایت www.norouzilawyer.ir



۴-۱- خانواده و سلامت جنسی

خانواده در دیدگاه جامعه شناسان عبارت از زن و مردی است که نیاز به رابطه جنسی و نیاز به همسر آنها را در کنار هم قرار داده است و این نیاز از چنان نیرویی برخوردار است که زمینه پیدایش آرامش و نیز تربیت فرزندان را فراهم می سازد. بر اساس این نظریه، خانواده صرفاً شامل دو همسر است اما در دیدگاهی دیگر، برخی روان شناسان معتقدند: خانواده از دو همسر و فرزند یا فرزندان ایشان تشکیل می شود. در هر دو تعریف، خانواده خمیرمایه، هسته نخستین و واحد سازنده هر یک از جوامع انسانی تلقی شده است و از این روی شکل گیری جوامع، بدون تشکیل نهاد خانواده قابل تصور نیست. نهاد خانواده در دیدگاه اسلام نیز بسیار ارزشمند و پراهمیت است تا آنجا که آیات متعددی در سوره های بقره، نساء، انفال، نور، فرقان، احزاب، طلاق، ... به این مهم پرداخته است. بر اساس دیدگاه اسلامی، آفرینش زن و مرد از یک خمیرمایه است و در بین آنها همبستگی و پیوند خونی و تاریخی وجود دارد و در سایه ازدواج، این همبستگی به صورت میثاقی غلیظ و پیمانی محکم درمی آید. از نظر اسلام، نهاد خانواده کانونی است برای به ثمر نشستن غرایز و تمایلات فطری انسان. از این رو سلامت، طراوت و بالندگی این کانون دارای اهمیت ویژه ای است. (فروتن، اخوان، ۱۳۹۰، ص ۳۰)

تمایلات جنسی طبیعی، به احساس کشش و رفتاری اطلاق می شود که برای خود شخص و طرف مقابل لذت بخش است و تحریک اعضای جنسی را در بر می گیرد و با احساس گناه و اضطراب همراه نبوده و در عین حال جنبه جبری هم ندارد. سلامت جنسی یعنی موقعیتی که در آن زوجین از یک رابطه سالم، مناسب و بهنجار جنسی بهره مند هستند و از این رابطه به رضایت مندی می رسند. بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت (WHO) بهداشت جنسی عبارت است از: هماهنگی و یکپارچگی میان ذهن، احساس و جسم که جنبه های اجتماعی و عقلانی انسان را در مسیر ارتقای شخصیت او سوق می دهد و منجر به ایجاد ارتباط و عشق می شود.

(Campbell, 2003)

۴-۲- خشونت جنسی و روابط زناشویی

در خشونت های جنسی خانگی، شفافیت رابطه زوجین، حل و فصل اختلافات با شیوه های متعارف، آگاه ساختن خانواده ها با حقوق بشر، حریم خصوصی و حدود رابطه زناشویی از بهترین راهکارهاست. متعاقب آگاهی، باید بر غیرقانونی و مستوجب کیفر بودن خشونت جنسی تأکید شود. محاکم نیز ضمن حفظ اسرار خانوادگی، با احقاق کامل حقوق از دست رفته بزه دیدگان و انتشار اخبار محرمانه این پرونده ها، زمینه را برای دادخواهی بزه دیدگانی که به خاطر مسائل عرفی، فرهنگی و اجتماعی از این کار اجتناب می ورزند، فراهم سازند. (السان، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷) در خلال بحث خشونت خانگی، می توان به نمودی دیگر از این خشونت نیز پرداخت که علی رغم مرسوم نبودن این اصطلاح در نظام اجتهادی و حقوقی ایران - به دلیل عدم اشاره آن در آموزه های فقهی و حقوقی - امروزه نمود بسیاری در جامعه پیدا کرده است. تجاوز جنسی زناشویی^{۱۳}، رابطه جنسی اجباری و بدون رضایتی است، که مرتکب آن همسر بزه دیده است. امروزه اصطلاح تجاوز جنسی زناشویی به جای تجاوز جنسی به زوجه^{۱۴} و تجاوز جنسی از سوی شوهر^{۱۵} به کار گرفته شده است. امروزه تعقیب کیفری و واکنش اجتماعی نسبت به تجاوز جنسی زناشویی در مقایسه با دیگر اشکال خشونت علیه زنان کمتر است. این تجاوز در بیشتر بخش های جهان به عنوان یک مسئله اجتماعی محسوب نشده است. پژوهش ها و مطالعات چندانی درباره آن صورت نپذیرفته و خدمات و تسهیلات ناچیزی برای بزه دیدگانش وجود دارد. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳۱)

¹³ . Rape , Marital

¹⁴ .Wife Rape

¹⁵ .Spousal Rape



در جوامع غربی مشروعیت تجاوز جنسی زناشویی به قوانین اولیه حاکم بر ازدواج و تجاوز جنسی باز می‌گردد. قوانین روم در سده هشتم، زنان را جزء مایملک شوهرانشان محسوب می‌کردند. قوانین مربوط به تجاوز جنسی در اصل در قالب قوانین حاکم بر مالکیت شکل گرفته و تمرکز آن‌ها نه بر حمایت از تمامیت جسمانی و معنوی زنان، بلکه حمایت از مایملک مردان (زنان و دختران) از تعدی دیگر مردان بود. عدم جرم‌انگاری تجاوز جنسی زناشویی با صراحت بیش‌تر در سده هفدهم در کامن‌لا مطرح شد. حقوق‌دان انگلیسی سر متیو هال^{۱۶} استثنای تجاوز جنسی زناشویی را کتاب تاریخچه دادخواهی سلطنتی^{۱۷} به این ترتیب مطرح نمود: نمی‌توان شوهر را به اتهام تجاوز جنسی به همسر قانونی‌اش مجرم شناخت؛ به دلیل رضایت متقابل آن‌ها به رابطه زوجیت و به موجب قراردادی که زن خودش را در اختیار شوهرش قرار داده و نمی‌تواند از آن عدول نماید. (پیشین، ص ۱۰۳۱)، دکتربین هال وارد قلمرو حقوق کشور های انگلیسی زبان شده و پایه قوانین ایالات متحده آمریکا قرار گرفت. علاوه بر آن قاعده حقوقی «وحدت زناشویی» که بر اساس آن زن و شوهر واحد و یک پارچه محسوب می‌شدند، موید این بود که زنان در برابر شوهرانشان از هیچ حمایت حقوقی برخوردار نبودند.

نهادینه شدن حقوقی رضایت دائمی زن به رابطه جنسی و عدم حمایت حقوقی از وی در برابر شوهرش، موجب گردیده دو محقق حوزه تجاوز جنسی زناشویی، دیوید فینکلهور^{۱۸} و کرسی یلو^{۱۹} این مسئله را مطرح کنند که در آن زمان سند ازدواج، در عمل جوازی برای تجاوز جنسی بوده است. در نیمه دوم سده نوزدهم جنبش مدافع حقوق زنان در آمریکا تعدی حقوقی موجود در ازدواج و رابطه جنسی اجباری را زیر سوال برد. در موج دوم جنبش مدافع حقوق زنان، این مورد تبدیل به مناقشه‌ای در مجادلات عمومی شد. سوزان براون میلر^{۲۰} و دل مارتین^{۲۱} در میانه سال‌های ۱۹۷۰ به صورت عمومی قوانین مربوط به تجاوز جنسی را مورد مناقشه قرار دادند و دایانا راسل^{۲۲} اولین محققی بود که مطالعه جامعی درباره تجاوز جنسی را انجام داد. اگر چه در حال حاضر تجاوز جنسی زناشویی در سراسر آمریکا جرم شناخته شده است، اما تقریباً نیمی از ایالت‌ها استثنائاتی درباره تعقیب مرتکب قائل شده‌اند. استثنای معمول حالتی است که مرد از فشار فیزیکی استفاده نموده ولی همسرش از نظر حقوقی قادر به ابراز رضایت به رابطه جنسی نبوده است (برای نمونه زمانی که زن از نظر ذهنی یا جسی آسیب دیده یا بیهوش و یا خواب است). پرداختن به مساله رضایت به عنوان عاملی مهم در مقابله با تجاوز جنسی به شمار می‌رود، به ویژه زمانی که این مساله از سوی کسانی که یک دیگر را می‌شناسند انجام بگیرد. زیرا در این موارد، اغلب گفته‌های کسی علیه دیگری به کار می‌رود و رضایت بسیار مهم است، به ویژه زمانی که اتهامات جنایی در پرونده درج می‌شود. این که فعالیت جنسی بیز رضایت باشد به طور کلی لازمه قانونی تجاوز است. افزون بر این که مظنونان متهم به تجاوز، کسانی هستند که می‌دانند استفاده از واژه رضایت به نفع آن‌ها است. آنان ادعا می‌کنند که بزه دیده با رضایت تن به فعالیت جنسی داده است. برای نمونه متجاوز ممکن است بزه دیده را تهدید کند که به همه بگوید رابطه میان آن‌ها کاملاً از روی رضایت بوده است. برخی متجاوزان پا را فراتر نهاده و به پلیس و دیگران می‌گویند که بزه دیده خود قدم‌های اول را برای ارتباط جنسی برداشته است تا قدمی برای منحرف کردن اذهان به سمت سرزنش بزه دیده بردارند. گاهی وقتی کسی رابطه جنسی برقرار می‌کند از روی رضایت است اما اگر ادامه رابطه جنسی آزار دهنده باشد دیگر رضایت آغازین رد می‌شود و ادامه ارتباط قانونی نیست و تجاوز جنسی به عنف و اکراه یا با اعمال زور شمرده می‌شود. (پیشین، ص ۱۰۵)

¹⁶ .Sir Matthew Hale

¹⁷ .History of the Pleas of the Crown

¹⁸ . David Finkelhor

¹⁹ . Kersti Yllo

²⁰ .Susan Brownmiller

²¹ .Del Martin

²² . Diana Russell



پژوهش‌گران اندکی تجربه‌ی زنانی را که شوهرانشان به آنان تجاوز کرده‌اند، به شکل جامع مورد مطالعه قرار داده‌اند. این پژوهش‌ها در کتاب راسل با نام «تجاوز جنسی در رابطه زناشویی»^{۲۳} و کتاب فینکلهور و یلو با نام «جواز تجاوز جنسی»^{۲۴} و برگن^{۲۵} با نام «تجاوز به همسر»^{۲۶} مطرح شده‌اند و همگی مبتنی بر مصاحبه‌های مفصل با بزه‌دیدگان بوده و جزئیات دقیق از سوء رفتارهای جنسی هستند که شوهران بزه‌دیدگان انجام داده‌اند. این پژوهش‌ها مجموعه‌ای از تجربیات بزه‌دیدگان شامل رابطه جنسی دهانی، مقعدی و واژینال به زور و فرو کردن دیگر چیزها به بدن را که زیر مجموعه تجاوز جنسی زناشویی قرار می‌گیرند، مطرح کرده‌اند. (پیشین، ص ۱۰۳۴)، فینکلهور و یلو دسته‌بندی ویژه‌ای ارائه داده‌اند که سه گونه تجاوز جنسی زناشویی را در بر می‌گیرد:

- ۱) تجاوز جنسی با ضرب و جرح^{۲۷}
- ۲) تجاوز جنسی تنها با اجبار^{۲۸}
- ۳) تجاوز جنسی آزارگرانه یا عقده‌ای^{۲۹}

در قانون مجازات اسلامی سخنی از تجاوز شوهر به همسر نیست و بالتبع مجازاتی هم برای چنین عملی در نظر گرفته نشده است. به طور کلی قانون کیفری ایران در این مورد ساکت است. اما قانون مدنی راهی دیگر در پیش گرفته و تمکین^{۳۰} را از وظایف زن دانسته است که در معنای خاص آن انجام وظایف زناشویی از طرف زن است. در قشرهای سنتی جامعه بسیاری از زنان، خود نیز از پدیده تجاوز زناشویی ناآگاهند. از این رو علیرغم درد و رنج جسمی و روحی، خود را به دست شوهر می‌سپارد و ظاهراً نیز مشکلی پیش نمی‌آید. چرا که اصولاً فرد ناراضی در این رابطه یعنی زن حق برای خود در ابراز ناراحتی و رنجش نمی‌بیند. این حال با توجه به مفهوم خاص تمکین که همان ایفاء وظایف زناشویی زن در قبال شوهر خود می‌باشد. بدیهی است حسن تفاهم و توافق زن و شوهر در رعایت دغدغه‌ها و حساسیتهای طرف مقابل است لیکن نه به قیمت سلب آزادی‌ها و حقوق قانونی زن یا مرد، می‌توان موارد زیر را در این رابطه با توجه به مطالب پیشین مورد توجه قرار داد که زن در زمان مواجهه با آن لزومی بر تمکین ندارد^{۳۱}:

- ۱) رابطه جنسی که آسیب جسمانی برای زن به همراه داشته باشد.
- ۲) درخواست شوهر مبنی بر رابطه جنسی زن با فردی غیر از شوهر اعم از مرد یا زن
- ۳) درخواست شوهر مبنی بر صحبت‌های جنسی و محرک جنسی زن با غیر شوهر از طرق مختلف
- ۴) درخواست رابطه جنسی مقعدی و عدم رضایت زن
- ۵) درخواست شوهر مبنی بر حضور فرد سوم اعم از زن و مرد در رابطه جنسی آن‌ها
- ۶) درخواست‌های جنسی مرد برگرفته از اختلالاتی نظیر سادیسم جنسی و ...

با این حال مطابق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی: «زوجه می‌تواند در مواردی که ادامه زندگی زناشویی وی را در وضعیت عسر و حرج قرار می‌دهد با مراجعه به حاکم و اثبات حالت عسر و حرج درخواست طلاق نماید». از ویژگی‌های مثبت این ماده نسبت به مواد دیگر عام بودن آن است که به موجب آن زن می‌تواند بدون توجه به مبنای عسر و حرج، با اثبات علت موجد سختی و تنگی،

۲۳ . Rape in Marriage
 ۲۴ . License of Rape
 ۲۵ . Bergen
 ۲۶ . Wife Rape
 ۲۷ . Battering Rape
 ۲۸ . Force only Rape
 ۲۹ . Sadistic Rape

۳۰. مواد ۱۱۰۸ و ۱۱۱۴ قانون مدنی

۳۱. به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی تنظیم خانواده <http://www.tanzimekhanevadeh.com>



خود را از علقه زوجیت رها سازد. اما عدم توجه به مبنای عسر و حرج موجب شده است که این ویژگی مثبت، منتج به سلیقه ای شدن کاربرد آن در محاکم خانواده گردد. (اسدی، ۱۳۸۷، ص ۴۳)

۴-۲-۱- خشونت جنسی مبتنی بر بزه دیدگی زنان

با انکار مسائله تجاوز در بستر زناشویی و نادیده گرفتن آن نمی توان این خشونت ویرانگر را از بین برد. قطعاً بسیاری از زنان ایرانی هستند که این نوع خشونت را تجربه کرده و در نبود قوانین حمایتی، مراجع تخصصی رسیدگی و واحد های تخصصی مشاوره و ... چاره ای جز کتمان مساله نداشته اند.

در حیطه جرایم جنسی، خشونت علیه زنان و خشونت خانگی به عنوان یکی از اجزای غیر قابل انکار، در عرصه بین المللی همواره مورد توجه بوده است که این که این جرایم مشکلات اجتماعی مهمی به شمار می آیند. زنان و نمایندگان برجسته جنبش آزادی زنان در دهه ی ۱۹۶۰-۱۹۷۰ فرایند پیوسته ای از مطالبه دگرگونی های حقوقی حمایت کننده از زنان در برابر خشونت نظام مند را آغاز نمود. لایحه خشونت علیه زنان^{۳۲} در اصل در سال ۱۹۹۰ مطرح شد و با پژوهش ها و بررسی های کنگره در باره موقعیت های خشونت خانگی حمایت شد.

قانون خشونت علیه زنان مبلغ ۱/۶ میلیارد دلار برای دوره ای ۶ ساله برای موضوع آموزش، پژوهش، درمان بزه دیدگان جرایم جنسی و خانگی و اصلاح و بهبود نظام های عدالت کیفری ایالت ها اختصاص داد. در میان قانون گذاران و حامیان فهم روشنی برای تغییر سیاست وجود داشت، به گونه ای که همگان و مقامات رسمی بر آن بودند که حمایت از حقوق زنان نیازمند اطلاعات فنی و عملی در فهم مشکل خشونت علیه زنان است. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷۱)

کمیته رفع تبعیض علیه زنان در سازمان ملل در نظریه تفسیری عمومی خود به شماره ۱۹ در جلسه یازدهم سال ۱۹۹۲ اشعار می دارد: خشونت مبتنی بر جنسیت نوعی تبعیض است که به طور جدی مانع برخورداری زنان از حقوق و آزادی های مبتنی بر تساوی جنسیتی است.

ماده ۱ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مقرر می دارد: تبعیض علیه زنان به معنی قایل شدن هرگونه تمایز، استثنا یا محدودیت بر اساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی های اساسی آنها و بهره مندی و اعمال آن حقوق بر پایه مساوات با مردان صرف نظر از وضعیت تاهل آنها در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه ها اثر مخرب دارد یا اصولاً هدفش از بین بردن این وضعیت است. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸، ص ۳۵)

پیش از تاسیس دیوان کیفری بین المللی در طی جلسات کمیسیون مقدماتی برای تاسیسی این دیوان از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ مباحث فراوانی در خصوص موضوعات جنسی مطرح گردید. (ارسنجان، ۱۳۷۸، ۳۰۳) در ابتدا مشکلات زیادی در ارتباط با جلب توافق کشورها در خصوص تعقیب و آزار بر مبنای جنسیت وجود داشت. برخی کشورها ترجیح دادند که کلمه جنسیت تعریف نشود و برخی هیات های نمایندگی اصرار داشتند که این واژه صرفاً به معنای تفاوت زن و مرد بر مبنای بیولوژیکی است. موضوع اجتناب از تعریف به سایر بخش های اساسنامه نیز تسری پیدا کرد. در نهایت همه توافق کردند که تعریفی برای واژه جنسیت در بند ۳ ماده ۷ تعیین شود که بتواند در کل اساسنامه مورد استفاده قرار گیرد. بند سوم از ماده ۷ اولین جمله ای است که کلمه جنسیت در آن آمده است. جنسیت در اساسنامه دیوان از منظر عرفی به دو جنس زن و مرد اطلاق می شود. این تعریف زمینه ای برای شمول مقررات غیر تبعیض آمیز از جمله جنسیت را فراهم آورده است. به علاوه جنسیت در جنایت علیه بشریت، آزار و اذیت که می تواند مبتنی بر جنسیت نیز باشد و بردگی که ممکن است شامل قاچاق افراد به خصوص زنان و کودکان باشد تجلی پیدا می کند. اگرچه برخی مخالفت ها نسبت به جنایت حاملگی اجباری وجود داشت، هیچ مخالفتی در

³² . Violence Against Women Act (VAWA)



خصوص تحت الشمول قرار گرفتن آن در جنایت خشونت جنسی و جنسیتی در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری وجود نداشت.
(خاک، ۱۳۸۷، صص ۱۰۱-۱۴۶)

اعلامیه بروکسل ۱۸۷۴ که به تدوین حقوق جنگ در سطح بینالمللی مبادرت ورزیده، حق زنان را نسبت به شأن و منزلت و شرافت در ماده ۳۸ تأیید نموده است: «شرافت و حقوق خانوادگی ... می بایست مورد احترام قرار گیرد». به دنبال اعلامیه مذکور، کنوانسیون های لاهه و از همه مهمتر کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه در خصوص حقوق و عرف های جنگ زمینی تصویب گردید. در کل کنوانسیون های لاهه تنها ماده ۴۶ کنوانسیون ۱۹۰۷ بهطور مبهم و غیرمستقیم، خشونت جنسی را به عنوان «نقض شرافت خانوادگی» ممنوع اعلام می نماید. کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ به انضمام دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ که بخش هایی از آن به عنوان حقوق بین الملل عرفی، امروزه مخاصمات مسلحانه معاصر را نظم می بخشند نیز نباید از نظر دور داشته شوند. این کنوانسیون ها منع رفتارهای توهین آمیز نسبت به نظامیان آسیب دیده و شکست خورده، غیرنظامیان و زندانیان جنگی در طی مخاصمات مسلحانه را خاطر نشان کرده اند. اگرچه اسناد حقوق بین الملل بشردوستانه، دستورالعمل های مجمل و مفصلی ناظر بر رفتار با اشخاص مورد حمایت در طی مخاصمات مسلحانه ارائه می نمایند ولیکن به لحاظ جزئیات ارائه شده، حمایت ها از افراد به ویژه زنان در مقابل خشونت های جنسی به طرز عجیبی ناچیز و حداقل است.

از ۴۲۹ ماده کنوانسیون های چهارگانه ژنو، تنها یک جمله از ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو به طور صریح از زنان در مقابل تجاوز به عنف و فحشای اجباری حمایت می نماید و تعداد کمی از مقررات است که می تواند به عنوان ممنوعیت خشونت جنسی تفسیر شود. ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو اشعار می دارد: «اشخاص مورد حمایت در هر مورد محق به احترام به شخص خود، شرافت و حقوق خانوادگی و ... می باشند. در هر زمان با آنان به انسانیت رفتار خواهد شد و از جمله در مقابل هرگونه عمل خشونت آمیز یا تهدید و در مقابل دشنام و کنجکاوی عامه حمایت خواهند گردید. زنان مخصوصاً در مقابل هرگونه تخطی به شرافت از جمله تجاوز عنف به ، اجبار به فحشاء و هرگونه هتک ناموس حمایت خواهند شد».

بند (۱) ماده ۷۶ پروتکل اول و قسمت (ه) بند (۲) ماده ۴ پروتکل دوم صریحاً تجاوز عنف به و فحشای اجباری و هرگونه هتک ناموس را ممنوع کرده اند. ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو و ماده ۳ مشترک کنوانسیون های چهارگانه ژنو به طور غیرمستقیم اشاراتی به خشونت جنسی دارند. ماده ۱۴۷ اشعار میدارد: «تخلفات عمده ... عبارتند از هریک از اعمال ذیل که بر علیه اشخاص یا اموالی که مورد حمایت این کنوانسیون میباشد، ارتکاب یافته باشد: آدم کشی عمدی، شکنجه یا رفتار خلاف انسانیت از جمله آزمایشات بیولوژیکی، ایراد دردهای شدید به طور عمدی یا لطمه به تمامیت جسمی یا به سلامتی، نفی بلد یا انتقال غیرقانونی ...». در ماده ۳ نیز همچون ماده ۱۴۷ اشاره ای به «لطمه وارده به تمامیت جسمی» دارد که خشونت های جنسی نیز می تواند شامل آن گردد.

لازم به ذکر است که هیچ گونه مقررات مستندی برای رفتار با زنان در هیچ یک از مجموعه کیفرخواست های محاکم جنگ جهانی دوم وجود ندارد. در فهرست ۷۳۲ صفحه ای از کیفرخواست های دادگاه نورمبرگ، تجاوز به عنف به زنان نه در عنوان و نه در زیرعنوان ها وجود نداشت. در دادگاه توکیو «تجاوز به عنف» زیر عنوان «شرارت» قرار گرفته بود.

اسناد منطقه ای نیز وجود دارند که هرچند اشاره مستقیمی به خشونت جنسی نداشته اند، به طور غیرمستقیم این عمل جنایت کارانه را خاطر نشان کرده اند. ماده ۲ کنوانسیون بین امریکایی پیشگیری و سرکوب شکنجه مصوب ۹ دسامبر ۱۹۸۵ تصریح می نماید که «درد و رنج اعم از جسمی یا روحی که به طور عمدی به وسیله شکنجه با هدف بازجویی کیفری یا هر هدف دیگری بهعنوان روشی برای تخویف و مجازات افراد و اقدام پیشگیرانه یا تنبیه به افراد وارد میشود»^{۳۳}.

³³ . Convention Interamericaine Pour la Prévention et le repression de la torture, Sec: http://www.aidh.org/Biblio/Txt_sud_A/Conv.85, 9 Décembre 1985.



کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی ۴ نوامبر ۱۹۵۰ نیز به عنوان معاهده ای منطقه ای در ماده ۳ در خصوص ممنوعیت شکنجه و ماده ۴ در خصوص ممنوعیت بردگی، خشونت جنسی را به طور ضمنی تحت شمول خود قرار می دهد.^{۳۴}

حال لازم است کنوانسیون بین المللی دیگری را نام برد که تنها کنوانسیونی است که به حمایت خاص از حقوق زنان پرداخته است؛ ماده ۶ کنوانسیون ناظر بر حذف کلیه اشکال تبعیض نسبت به زنان مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل «دولت های متعاقد را به اتخاذ کلیه اقدامات مناسب از جمله مقررات قانونی برای جلوگیری از قاچاق زنان و بهره برداری از فحشای زنان تحت کلیه اشکال آن» ملزم نموده است.^{۳۵}

علاوه بر اسناد بین المللی نامبرده، شورای امنیت به عنوان یکی از ارکان ملل متحد قطعنامه هایی را به تصویب رسانیده که در آن خشونت جنسی را به عنوان اقدامی حیوانی و جنایت جنگی قلمداد نموده است. «شورای امنیت در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ طی قطعنامه ۷۹۸ بازداشت سیستماتیک و از پیش تعیین شده زنان به صورت دسته جمعی و هتک ناموس آنان خصوصاً زنان مسلمان را محکوم و این اقدامات را حیوانی و ضدبشری توصیف کرد. در این قطعنامه خواسته شد تا هر چه زودتر کلیه بازداشتگاه های زنان تعطیل شوند». (آقایی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۴)

قطعنامه دیگر شورای امنیت، قطعنامه ۱۳۲۵ مصوب ۳۱ اکتبر ۲۰۰۰ میباش که علی الخصوص به تأثیر جنگ بر زنان و همکاری آنها برای حل مخاصمات و حفظ صلح توجه نموده است. در بند ۱۰ قطعنامه مذکور شورای امنیت از طرف های مخاصمات مسلحانه دعوت به عمل می آورد که «اقدامات خاصی را برای حمایت از دختران و زنان در برابر خشونت های مبتنی بر جنسیت علی الخصوص تجاوز به عنف و سایر اشکال سوءاستفاده های جنسی در وضعیت های مخاصمات مسلحانه اتخاذ نمایند. شورای امنیت بر مسئولیت کلیه کشورها به پایان دادن مصونیت ها و تعقیب و رسیدگی به چنین مسئولیت هایی به خاطر نسل زدایی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی از جمله جنایاتی در ارتباط با خشونت جنسی علیه زنان و دختران تأکید می نماید و نیاز به مستثنی کردن این جنایات از مقررات عفو را در هر جایی که واقع گردند مورد تأکید قرار می دهد.^{۳۶}

به طور کلی اسناد حقوق بشر دوستانه بین المللی، خشونت جنسی را بیشتر به عنوان هتک حرمت نسبت به شرافت شخص قلمداد می نمایند تا به عنوان خشونت علیه جسم و روح وی و شاید این انعکاسی از نگرش های تاریخ گذشته و بسیاری از نظام های کیفری داخلی باشد. هر چند کنوانسیون ها و پروتکل های مذکور، تجاوز به عنف را با جنایاتی نسبت به شرافت و شأن و منزلت پیوند می دهند ولیکن تجاوز به عنف و فحشای اجباری در این اسناد به طور مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. درحالیکه عبارت پردازی فوق به طور نامناسی مشخصه جرم را توصیف نموده و ماهیت خشونت آمیز جنایت را کمتر جلوه می دهد، مسلماً حداقل حمایت های بالقوه ای را ارائه می نماید. اساسنامه های دو دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق و رواندا و قواعد ادله و دادرسی آن و همچنین اساسنامه دیوان بین المللی کیفری و قواعد ادله و دادرسی نقش بسیار مهمی را در توجه بیشتر به جنایت خشونت جنسی و به نوعی جرم انگاری آن ایفا نموده اند.

۴-۲-۲- خشونت جنسی مبتنی بر بزه دیدگی مردان

معضل مردان بزه دیده ی خشونت شریک جنسی که می تواند یکی از خطرات بزرگ علیه سلامتی در تمامی جوامع دانست، با این حال در نظام حقوقی و اجتماعی ایران این بزه به دلایل فرهنگی و دینی به رسمیت شناخته نشده است و قانون گذار هم سعی در شناسایی این نوع از بزه و جرم انگاری آن ندارد. ولی این مورد عملاً به عنوان خشونت خانگی در برخی از کشور ها

³⁴ . Council of Europe ,Convention for the Protection of Human Rights & Fundamental Freedoms,

Council of Europe, ETSno.005, See: <http://Conventions.coe.int/Treaty/en/treaties/Html/۰۰۵.htm>.

³⁵ . Convention sur l'Elimination de toutes les forms de Discrimination a l'égard des Femmes, See: <http://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/text/fconvention.htm>, 18 Décembre 1979.

³⁶ . Security Council, Resolution 1325, 31 Oct 2000(S/RES/1325), 10 (Paragraph 11), See: ...



همانند ایالات متحده آمریکا به رسمیت شناخته شده است. به نحوی که این نوع خشونت را نوعی از خشونت خانگی که زنان علیه مردان یا مردان علیه مردان در همجنس‌گرایان مرد، می‌دانند.

بسیاری از مردم چه درباره این سوء رفتار شنیده باشند چه این که نشنیده باشند، باور ندارند که امکان تعرض به مردان نیز وجود دارد. بیشتر، تعرض به همسر را با عناوینی همچون خشونت خانگی، تعرض خانگی و خشونت شریک جنسی نیز تعریف کرده‌اند که تنها مختص به زنان و کودکان قلمداد می‌شود. با اینکه مردان به اندازه زنان به عنوان بزه دیده خشونت خانگی متحمل تعرض نمی‌شوند، این اتفاق برای مردان بیشتر از آن چه که مردم تصور می‌کنند رخ می‌دهد. تقریباً ۳۵ درصد از بزه دیدگان خشونت شریک جنسی مردان هستند. با این حال زنانی که به آن‌ها تعرض می‌شود، ۹ بار بیشتر از مردان این موضوع را به پلیس و ۵ بار بیشتر به دوستان یا خویشاوندانشان گزارش می‌کنند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳، ص ۷۶۰)

همه مردانی که با ایشان سوء رفتار می‌شود، مجرد نیستند؛ برخی از ایشان با زنان بد رفتار ازدواج کرده‌اند. زنان آشکارا شوهرانشان را تحقیر و شرمسار می‌کنند؛ مهربانی را از ایشان دریغ می‌کنند؛ آنان را تهدید می‌کنند که به خودشان، فرزندانشان یا دیگران آسیب خواهند رساند، درامد خانواده را کنترل و مردان را برای رفتارهایشان سرزنش می‌کنند. با این حال قوانین موجود برای سوء رفتار به زنان و کودکان، برای مردان نیز قابل اعمال است، اما منابع آن وجود ندارد.

۵- لزوم تشکیل شعب تخصصی رسیدگی به خشونت‌های جنسی خانگی

بد رفتاری با زنان در محیط خانواده، در همه کشورهای جهان مسئله‌ای کاملاً رایج و دارای عواقب و نتیجه‌وخیمی است. اگرچه خشونت علیه زنان در خانواده از قدیم‌الایام وجود داشته اما تنها چند سالی است که کشورهای مختلف جهان آن را به عنوان مسئله مهمی تلقی کرده و به اقداماتی به منظور رسیدگی به وضعیت بفرنج قربانی سوء رفتار دست زده‌اند. اگرچه در امارات رسمی به آمارهای خشونت علیه زنان در ایران اشاره نشده است اما پژوهش‌ها نشان می‌دهد که هر بار که مطالعات یا تحقیقاتی در این مورد انجام می‌پذیرد، دامنه وسیعی از خشونت مشاهده می‌شود. هرچه جامعه فقیرتر، سنتی‌تر و از نظر سطح فرهنگی پایین‌تر باشد، فراوانی و شدت خشونت علیه زنان بیشتر و عوارض آن چشم‌گیرتر است. (معظمی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۳)

خشونت علیه زنان ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکر خانواده و جامعه وارد می‌کند و تاثیر سوء بر فرزندان بر جای می‌گذارد. از این رو برای رفع این معضل و به منظور مقابله با خشونت‌های خانوادگی اعم از خشونت‌های جسمی و جنسی مانند تجاوز جنسی زناشویی و حمایت از زنان قربانی باید اقداماتی صورت گیرد.

در سال‌های اخیر انعکاس اخبار مربوط به خشونت علیه زنان به عنوان یک پدیده ناگوار هرچند در حساس‌سازی افکار عمومی و سیاست‌گذاران تاثیر داشته و به تلاش‌هایی به منظور بررسی در این زمینه انجام شده است، لیکن هیچ‌گونه آمار رسمی درباره فراوانی و نوع خشونت و سوء رفتار از سوی مقام‌های مسول ارائه نشده است. چنان‌که امروز تعریفی عملیاتی از سوء رفتار یا خشونت علیه زنان یا همسر نیز موجود نیست و غفلت و پنهان‌کاری از این پدیده مهم نه تنها به واکنش‌های موثر در پیش‌گیری و یا کاهش خشونت علیه زنان نینجامیده، بلکه بعضاً این نکته به عنوان رفتاری هماهنگ فرهنگ، امری پسندیده و شایسته نمایانده شده است. در حقیقت خشونت ورزی از یک سو محور و هسته سیستم مردسالاری است. از سوی دیگر علت اصلی عدم دستیابی به راه حل‌های مقابله با این معضل، خصوصی بودن محیط خانواده و ملازمت آن با ارزش‌های مهم اجتماعی است: به این ترتیب که محیط خانواده، مکانی خصوصی است که مهد آرامش و امنیت اعضای آن بوده و از چنان جایگاه والایی برخوردار است که باید محترم و مقدس نگاه داشته شود. این ارزش دارای چنان اهمیتی است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز تحت عنوان «تضمین حق زندگی، خانه و روابط خصوصی و خانوادگی»^{۳۷} منظور شده است.

^{۳۷} به عنوان مثال در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده است: هرکس حق دارد که زندگی خصوصی و خانوادگی محیط خانه و مکاتباتش محترم شناخته شود.



نتیجه گیری و پیشنهادها

در نظام تقنینی کیفری ایران، مقنن از طرفی مکلف است با رعایت اصل چهارم قانون اساسی در جرم انگاری و تعیین کیفر برای ارتکاب اعمال مجرمانه از مبانی شرعی پیروی کند و از طرف دیگر خود را برای پیروی از اصول کلی حاکم بر حقوق جزای مدرن و تطبیق اجزای سیاست جنایی با مقتضیات زمانی و مکانی ملتزم می داند. در مورد اقدامات کنش گرانه همانند سایر جرایم، فقدان یک برنامه موثر و با پشتوانه در سیاست جنایی ایران کاملاً مشهود است. در عین حال جای خالی نوعی سیاست گذاری ویژه که حاوی اهداف بلند مدت در راستای مبارزه و پیشگیری از این نوع جرایم باشد به چشم می خورد.

با توجه به اسناد موجود و تعاریف گوناگون در این زمینه می توان خشونت جنسی را به صورت زیر تعریف کرد: هر گونه عمل در جهت تلاش برای به دست آوردن عمل جنسی، نظرهای ناخواسته و یا پیشروی جنسی، و یا تجارت جنسی، یا کارهای صورت گرفته دیگری، بر خلاف تمایلات جنسی فرد با استفاده از اجبار، توسط هر فرد بدون در نظر گرفتن رابطه خود با قربانی، در هر محیط، شامل خانه و محل کار اما نه محدود به آن. در این حالت اجبار می تواند تمام طیف درجات خشونت را دربر گیرد. جدا از اجبار فیزیکی، ممکن است دربرگیرنده ارعاب روانی، باجگیری یا تهدیدهای دیگر باشد. برای مثال تهدید به صدمه جسمی، اخراج از شغل، ندادن شغل مورد درخواست. همچنین ممکن است زمانی رخ دهد که فرد مورد تعرض قادر نباشد رضایت خود را اعلام کند. برای مثال، هنگام مستی، اعتیاد، خواب یا زمانی که از نظر مغزی قادر به فهمیدن شرایط نیست. خشونت جنسی شامل تجاوز هم می شود، که بعضی آن را اجبار جسمی و بعضی دخول به فرج یا مقعد، با استفاده از آلت تناسلی مرد، اعضای دیگر بدن و یا یک شی تعریف می کنند. تلاش برای انجام این کار به عنوان اقدام به تجاوز به عنف شناخته شده است. خشونت جنسی می تواند شامل شکل دیگر تجاوز در برگیرنده اندام های دیگر جنسی نیز باشد مثل تماس با زور بین دهان و آلت مردانه، فرج یا مقعد^{۳۸}.

پس بدین ترتیب می توان بیان کرد که خشونت جنسی جزء جرایمی هست که می توان مشترک در بین مرد و زن نامید. این جرایم بدون توجه به جنس خاص به مرحله ارتکاب می رسند، به عبارت دیگر ارتکاب این جرایم بستگی به اوضاع و احوال محل و زمان و موضوع وقوع آن جرم دارد.

در سال ۲۰۱۱ کمیساری عالی حقوق بشر با اشاره به ارتباط نقض حقوق بشر زنان با جنسیت و نقش باروری آن ها، اذعان می نماید که در بسیاری از کشور ها زنان متاهل نمی توانند روابط جنسی (در کل روابط زناشویی) با همسر خود را رد کنند. از این رو، علی رغم اقدامات صورت گرفته در سطح بین المللی، هنوز مساله جرایم جنسی (اعم از خشونت های جسمی و جنسی، روابط یک طرفه زناشویی و ...) توجه کافی همه کشور های عضو سازمان ملل متحد را به خود جلب نکرده است. با وجود این که در فقه پویای امامیه با در نظر گرفتن قواعدی مانند لاضرر، می توان به بزه دیده این جرایم کمک کرد. ایران از جمله کشور هایی است که چه در زمینه فرهنگ سازی و چه در حوزه قانون گذاری و حمایتی نه تنها اقدامات چشمگیری آن جام ن داده، بلکه سعی در پاک نمودن صورت مساله داشته است. شایان ذکر است که با انکار وجود مثلث جرایم مبتنی بر جنسیت و به خصوص خشونت های جنسی و نادیده گرفتن آن نمی توان این مورد را از بین برد. قطعاً بسیاری از زنان ایرانی هستند که این نوع خشونت را تجربه کرده و در نبود قوانین حمایتی چاره ای جز کتمان مساله ندارند. در مورد خشونت جنسی در روابط زناشویی نیز تصویب قانونی دال بر منع و پیشگیری از خشونت جنسی ناظر بر روابط زوجین ضرورت دارد. در حال حاضر نیز حداقل تسری اجرای مجازات تجاوز به عنف نسبت به متجاوزان در روابط زناشویی، می تواند یکی از بهترین راهکارهای قانونی به شمار آید. مشروط بر این که بزه دیدگان این تجاوز جنسی به عنف، به خاطر معاذیری همچون اجبار، تهدید یا اضطراب اقتصادی از این مجازات در امان باشند. تأکید بر نظریه های کنترل اجتماعی و یادآوری پیشینه فرهنگی، قومی و بومی کشور در سلامت جنسی، شیوه مطلوبی برای اجتناب از خشونت جنسی در روابط زناشویی است.

38 . World Health Organization., World report on violence and health, 2002.



جرایم جنسی و خشونت های مبتنی بر جنسیت مطابق اسناد موجود بین المللی در مورد زنان و بالاخص در روابط زناشویی، متأسفانه هنوز به طور کامل در قوانین داخلی ایران مورد پذیرش قرار نگرفته است. به نحوی که برخی مواقع این ذهنیت به وجود می آید که قوانین ایران دید تبعیض آمیز به برخی از انسان ها دارد، کما این که با مراجعه به آموزه های قرآنی و فقهی و با مذاقه در معانی احکام اسلامی که ریشه قوانین داخلی ایران را تشکیل می دهد، می توان دریافت که نگرش درستی در این باب حاکم نیست. زیرا تفسیر گاهاً نادرست از احکام اسلامی و عدم انطباق درست آن با وضعیت فعلی جامعه ایرانی، در مرحله تدوین قوانین موجب بروز این ذهنیت غلط شده است.

جرایم مبتنی بر جنسیت معمولاً به دلیل جاذبه دار بودن ذاتی مسائل جنسی و دلهره آور بودن آن، جزء موضوع هایی است که بسیار مورد توجه بوده و پس از برملا شدن به سرعت رسانه ای می شود. کما این که حوادث گوناگونی که با تلاش رسانه ها به صورت گسترده آشکار و شفاف سازی می شوند، منجر می شود که مسئولان در مقام پاسخ برآیند و در نتیجه مجرمان این جرایم دستگیر شده و به سرعت مجازات درباره آن ها به مورد اجرا گذاشته شود. امروزه با شناسایی مجموعه خاصی از جرایم با نام جرایم مبتنی بر جنسیت که نمایانگر تاثیر گذاری برخی عوامل و ویژگی های ذاتی و بیرونی بزهدار و بزه دیده در ارتکاب و تکوین این جرایم است، ورود این مفاهیم به بطن خانواده و روابط زناشویی اجتناب ناپذیر می باشد. چرا که تاثیر گذاری جرایم جنسیتی در اضمهلال نهاد خانواده انکار ناپذیر است.

باری، به دنبال وقوع جرایم جنسی گاهی کار به جایی کشیده می شود که علاوه بر رسانه ها و افکار عمومی، پای سیاستمداران نیز به ماجرا کشیده شده و با وضع قوانین اغلب شدید، به مقابله با بزهداران می آیند و مجرمانی که چون مرتکب جرمی دلهره آور شده اند و عمل آن ها به هر دلیلی در رسانه ها انعکاس یافته مستحق مجازاتی شدید تشخیص داده می شوند. اما آیا همه می توانند جرایم جنسیتی توسط پلیس و دستگاه قضا کشف می شود؟ آیا لزوماً مرتکبان جرم تجاوز به عنف، از افراد غریبه هستند؟ میزان صدمه های روانی که به دلیل تجاوزهای خانوادگی به قربانی وارد می شود تا چه حد است؟ آیا متجاوزان به عنف را اکثراً فرودستان جامعه تشکیل می دهند؟

واقعیت این است که دامنه ای ارتکاب جرایم جنسی بسیار گسترده تر از اندک مواردی است که در رسانه ها منعکس می شوند. تجاوز و خشونت جنسی از حاشیه های شهرها و خیابان ها گرفته تا داخل منازل مسکونی اتفاق می افتد. در هر صورت این طبیعی است که رقم بالایی از تجاوزهای صورت گرفته کشف نشود. علت این امر نیز در بسیاری از موارد ترس بزه دیده از رفتن آبرویش و در معرض قضاوت نادرست قرار گرفتن از جانب اطرافیان است. بدین ترتیب در راستای اثبات فرضیه این پژوهش بر پایه آموزه های فقهی و در جهت همسویی با اسناد بین المللی، به نظر می رسد جرم انگاری جرایم جنسی به ویژه خشونت جنسی در حوزه روابط زناشویی در ایران ضرورتی انکار ناپذیر باشد، زیرا سلامت جنسی بعدی از ابعاد سلامت است که اهمیت خود را به ویژه هنگام ازدواج و در طول زندگی زناشویی نشان می دهد. لذا برای تحقق کامل آن باید در سطح خرد و کلان سیاست گذاری، برنامه ریزی، اقدامات اجرایی و پایش و نظارت و ارزیابی انجام شود. از این رو، راه کارهای ذیل نیز برای تحقق این امر پیشنهاد می گردد:

- ۱) شروع تحقیقات میدانی موثر توسط نهاد های مسئول در جهت ورود به مرحله قانون گذاری
- ۲) ایجاد خانه های امن و تاسیس واحد های مشاوره اختصاصی
- ۳) اطلاع رسانی و بالا بردن سطح آگاهی جامعه
- ۴) شفاف سازی زمینه ها و عوامل ارتکاب این جرایم توسط اصحاب رسانه
- ۵) شناسایی و تعریف خشونت های جنسی خانگی به طور عام از طرف قانون گذار



منابع

- ۱) ابن اثیر، مجدالدین، (۱۳۶۷)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم ، چاپ اسماعیلیان
- ۲) ارسنجان، ماهنوش، (۱۳۷۸)، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی رم؛ دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، به اهتمام اسحاق آل حبیب، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۳) انصاری، شیخ مرتضی، (۱۴۱۰)، مکاسب، ج ۳ ، بیروت، موسسه النعمان.
- ۴) آشوری، محمد، (۱۳۸۳)، گزارش کار گروه بزه دیدگی، نتایج کار گروهها و اسناد نخستین همایش بین المللی زن و حقوق کیفری ، گذشته، حال، آینده، زیر نظر نسرین مهرا، تهران، چاپ اول، نشر سلسبیل.
- ۵) بیگی، جمال، (۱۳۸۸)، بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- ۶) خمینی، روح الله، (۱۳۶۵)، تحریر الوسیله، ج ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- ۷) معین، محمد، (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین، انتشارات معین.
- ۸) نجفی ابرند آبادی، علی حسین، (۱۳۹۳)، دانشنامه بزه دیده شناسی و پیشگیری از جرم، دو جلدی، تهران، انتشارات میزان.
- ۹) نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید، (۱۳۹۰)، دانشنامه جرم شناسی، کتابخانه گنج دانش.
- ۱) اردبیلی، محمد علی، (۱۳۸۰)، سقط جنین در بارداری ناشی از زنا یا به عنف، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹.
- ۲) اسدی، لیلا سادات، (۱۳۸۷)، نقدی بر ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و ارائه راهکار های اجرایی آن، مجله فقه و حقوق خانواده، سال سیزدهم، شماره ۲۸.
- ۳) آشنا، حمید، (۱۳۹۴)، ضرورت سنجی جرم انگاری جرایم مبتنی بر جنسیت در روابط زناشویی با تکیه بر اسناد بین المللی، دومین کنفرانس بین المللی اقتصاد مدیریت فرهنگ ایرانی اسلامی، ۹ مهر، اردبیل.
- ۴) آقای، سید داوود، (۱۳۷۶)، بررسی عملکرد شورای امنیت در حل بحران بوسنی و هرزگوین، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۶.
- ۵) آیت اللهی، زهرا، (۱۳۸۰)، نگاه تطبیقی به موضوع خشونت علیه زنان، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۴.
- ۶) جورکویه، علی محمد، (۱۳۸۹)، سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی، مجله حقوق اسلامی، سال هفتم شماره ۲۴.
- ۷) حاجی ده آبادی، احمد؛ حاجی ده آبادی، محمد علی؛ یوسفی، محمد، (۱۳۹۰)، بررسی مبنای ضرر در جرم انگاری تجاوز جنسی با رویکردی بر فقه امامیه، پژوهش نامه حقوق کیفری، سال چهارم، شماره دوم.
- ۸) خاک، روناک، (۱۳۸۷)، جرم انگاری خشونت جنسی در حقوق بین المللی کیفری، مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال بیست و پنجم، شماره ۳۹.
- ۹) دلاکوستا، پینتو، (۱۳۸۳)، گزارش کار گروه بزه دیدگی، نتایج کار گروه ها و اسناد نخستین همایش بین المللی زن و حقوق کیفری ، گذشته، حال، آینده، زیر نظر نسرین مهرا، تهران، چاپ اول، نشر سلسبیل.
- ۱۰) السان، مصطفی، (۱۳۸۵)، جرم شناسی خشونت جنسی علیه زنان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۱.
- ۱۱) فروتن، سید کاظم، اخوان تقوی، محمد حسین، (۱۳۹۰)، بررسی نقش سلامت جنسی در خانواده ایرانی، مجله قضاوت، شماره ۷۰.
- ۱۲) معظمی، شهلا، (۱۳۸۳)، حمایت از زنان بزه دیده در برابر خشونت های خانگی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۳.



۱۳) میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۸۷)، حقوق جزای بین الملل و خشونت علیه زنان، مجموعه مقالات تدابیر حقوقی کاهش خشونت مبتنی بر جنسیت.

۱۴) نوربها، رضا، (۱۳۷۸)، سیاست جنایی سرگردان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶.

۱) باوندپور، علیرضا، (۱۳۹۰)، تاثیر عوامل روان شناسی در ارتکاب جرایم جنسی و تعیین واکنش نسبت به این جرایم، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

۲) مولوردی، شهین دخت، نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۷۸-۱۳۷۷، خشونت علیه زنان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی.

۳) آشنا، حمید، (۱۳۹۴)، سیاست جنایی ایران در قبال جرایم مبتنی بر جنسیت در پرتو اسناد بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته فقه و حقوق جزا، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.

- 1) Balos, Beverly. (2004), The Wrong Way to Equality: Privileging Consent.
- 2) Campbell, T. L. (2003). The effectiveness of family interventions for physical disorders. Journal of Marital and Family, 29(2): 263-281.
- 3) disorders. Journal of Marital and Family, 29(2): 263-281.



The Approach of Islamic Rulings & International Documents On the Concept of Sexual Violence & its Effect on the Health of Marital Relationships

Meytham Dastwar

Master's student, Department of Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
dastvarmeysam82@gmail.com

Ramin Daemi Saeed Abad

Bachelor's Degree in Law, Payam Noor University, Maragheh, Iran
ramindaemi7799@gmail.com

Mohammad Mehdi Dadashi Chekan

Lecturer, Department of Law, Payam Noor Maragheh University, Maragheh, Iran
mahdidsh@yahoo.com

Hamid Ashna

M.A in Degree in Jurisprudence & Criminal Law, Member of the Young & Elite Researchers Club of Islamic Azad University (Corresponding Author)
Hamid_Ashena_Law@yahoo.com

Abstract

Background & Purpose: All over the world, sexual health in marital relationships is very important in the formation of the family foundation. In a way that by studying different cultures and religions, it can be understood that if there is any slackness and deviation in relationships, what a fatal blow is inflicted on the foundation of the family and society. In this article, we try to study sexual violence and its impact on marital relations by resorting to domestic laws and relying on Islamic rules and international regulations and try to explain the necessity of criminalizing this type of violence.

Research Method: The research method in this study is descriptive and analytical.

Findings: If some crimes related to this institution are not recognized and the legislator does not support it properly, it may manifest itself in the relationships of couples, especially in the sexual health of the family, which has a destructive effect on everyone. From Hammurabi's code of laws and the religion of Islam to today's laws, legislators have considered heavy punishments for sexual violence and disruption of the sexual health of the family, but the country of Iran has not acted well in preventing the occurrence of these violences.

Conclusion: Prevention of this type of violence requires spending a lot of time and money and the cooperation of various institutions and organizations. It is painful that at the same time that the authorities are beating the drum of fighting sexual crimes, far more heinous crimes are taking place behind the high walls of the houses, and there is no one to help the victims of these violence.

Key words: Sexual Health, Sexual Violence, Marital Relations, Related Laws of Iran, Islamic Rulings, International Documents